

تحلیلی بین‌زبانی از ساختار ارتقایی خودایستا در زبان فارسی

رضوان متولیان*

استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

وجود ساخت ارتقایی در اکثر زبان‌هایی که گروه متمم‌نمای ناخودایستا برمی‌گزینند به اثبات رسیده است، چراکه اعتقاد بر این است که در بند ناخودایستا به علت ناقص بودن هستهٔ زمانی جملهٔ پیرو، این هسته قادر به بازبینی حالت فاعلی نمی‌باشد و فاعل جملهٔ پیرو برای بازبینی مشخصهٔ حالت خود مجبور به حرکت به جایگاه فاعلی بند بالاتر است. براساس این دیدگاه ارتقا از درون بند خودایستا به دلیل امکان‌پذیر بودن بازبینی حالت مجاز نیست. در پژوهش حاضر با به‌کارگیری داده‌های زبان‌های مختلف نشان داده می‌شود برخلاف این تصور، ارتقای فاعل به فاعل در برخی زبان‌ها از درون بند خودایستا نیز امکان‌پذیر است. البته ساخت‌های ارتقایی در زبان‌های دارای متمم خودایستا نیز کاملاً یکسان نیستند و با هم تفاوت‌هایی آشکار دارند. در پژوهش حاضر چهار نوع مختلف ساخت ارتقایی خودایستا اعم از فرا ارتقا، فوق ارتقا، بیش ارتقا و ارتقای کپی در زبان‌های مختلف و فرضیه‌های متفاوت دربارهٔ آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت سعی می‌شود با توجه به شواهد موجود مبنی بر وجود ساخت ارتقایی در زبان فارسی، جایگاه زبان فارسی در این تحلیل بین‌زبانی از ساخت ارتقایی مشخص گردد.

واژه‌های کلیدی: فرا ارتقا، فوق ارتقا، بیش ارتقا، ارتقای کپی

۱. مقدمه

براساس رویکرد کمینگه‌گرا (چامسکی ۲۰۰۰) بازبینی مشخصه‌های فاعلی هستهٔ زمانی با گروه اسمی فاعلی منجر به بازبینی حالت ساختاری گروه اسمی می‌شود و این امر باعث منجمد شدن گروه اسمی در جایگاه خود و مانع حرکت موضوعی آن می‌شود. اتخاذ این رویکرد باعث شده

E-mail: r.motavallian@fgn.ui.ac.ir

* نویسندهٔ مسئول مقاله:

این پژوهش در قالب طرح پژوهشی شماره ۹۱۱۲۱۹ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه اصفهان انجام شده است. از معارفت محترم پژوهشی آن دانشگاه کمال تشکر و قدردانی را دارم.

برخی زبان‌شناسان بدون در نظر گرفتن پارامترهای زبانی، به طور کلی وجود ساخت ارتقای غیر موضعی را مورد تردید قرار دهند و ارتقاء را تنها از درون گروه‌های متمم‌نمای ناخودایستا امکان‌پذیر بدانند. در پژوهش حاضر سعی داریم با بررسی داده‌های زبان‌های مختلف و مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته امکان وجود ساخت ارتقایی غیر موضعی و انواع مختلف آن اعم از فرا ارتقا (hyper raising)، فوق ارتقا (super raising)، بیش ارتقا (further raising) و ارتقای کپی (copy raising) و تفاوت بین آن‌ها را به تصویر بکشیم:

الف. در ساخت **فرا ارتقا** گروه اسمی ارتقا یافته از جایگاه فاعلی بند درونه‌ی خودایستا، با فعل بند پایه مطابقت دارد. در این نوع ساخت، جایگاه زیرساختی فاعل جابه‌جا شده، جایگاه فاقد حالت فرض می‌شود. بنابراین فاعل بند درونه به منظور بازبینی مشخصه‌ی حالت خود به جایگاه مشخص‌گر هسته‌ی زمان در جمله پایه حرکت می‌کند (اورا ۱۹۹۴).

ب. ساخت **فوق ارتقا** به عنوان حرکت موضوعی طولانی در نظر گرفته می‌شود (ریتزی ۱۹۹۰، اورا ۱۹۹۴ و دیگران). در این حرکت که نوع دیگری از ارتقاء از درون بند متممی خودایستاست در حقیقت گروه اسمی (مفعول جمله) از جایگاه موضوعی که قبلاً اشغال شده است عبور می‌کند و به جایگاه فاعل بند بالاتر یعنی به جایگاه موضوعی غیر موضعی حرکت می‌کند. هرچند براساس نظر ریتزی (۱۹۹۰) احتمال وجود ساخت فوق ارتقا به علت نقض کمینگی نسبی وجود ندارد، وجود چنین ساختی در زبان‌هایی که ساخت فرا ارتقا دارند به اثبات رسیده است و آن را با در نظر گرفتن چندین شاخص برای یک گروه تبیین می‌کنند (اورا ۱۹۹۴).

ج. در ساخت **بیش ارتقا** فاعل ارتقا یافته با فعل بند پیرو مطابقت دارد و فعل بند پایه همواره دارای تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد است. در چنین ساختی مشخصه‌های فای هسته‌ی زمانی بند پیرو با مشخصه‌های فای گروه حرف تعریف متناظر می‌شود و مشخصه‌های فای هسته‌ی زمانی ارزشگذاری می‌شود، اما ارزشگذاری مشخصه‌ی حالت در گروه اسمی به تعویق می‌افتد. عدم بازبینی مشخصه‌ی حالت گروه حرف تعریف را فعال نگه می‌دارد و اشتقاق ادامه پیدا می‌کند (فرناندز سلگویرو ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸).

در ساخت **ارتقای کپی** فاعل بند پایه که در اصل در جایگاه فاعل بند متممی خودایستا تولید می‌شود از جایگاه فاعلی بند پیرو به جایگاه فاعل بند پایه می‌رود و در عین حال در

جایگاه فاعل بند پیرو یک ضمیر کپی به جای می گذارد (اورا ۱۹۹۴).

در نگاه کلی در مقاله حاضر در صدد یافتن پاسخ به این سؤال هستیم که آیا ارتقاء از درون بند متممی خودایستا امکان پذیر است. در این راستا با روش تحلیل بین زبانی به بررسی انواع ساخت‌های ارتقایی غیر موضعی در زبان‌های مختلف می‌پردازیم تا بدین وسیله با مروری بر انواع ساخت‌های ارتقایی خودایستا و رفتار زبان‌های مختلفی که در این دسته‌ها قرار می‌گیرند جایگاه زبان فارسی در این رده‌بندی مشخص گردد. از سوی دیگر می‌کوشیم با اشاره به پارامترهای مطرح شده در نظریه زبانی و تبیین وجود چنین ساخت‌هایی در زبان‌های مختلف، نشان دهیم اصول زبانی تنها به تعداد معدودی زبان محدود نمی‌گردد؛ بلکه با در نظر گرفتن پارامترهای زبانی، می‌توان برخلاف نظر مخالفان وجود ساخت ارتقایی غیر موضعی، همچنان با حفظ عملگرهای مطابقه و بازبینی حالت، ساخت ارتقایی غیرموضعی را در زبان‌های مختلف تبیین کرد.

مروری بر مطالعات پیشین

منکران وجود ساخت ارتقا در زبان فارسی (هاشمی‌پور ۱۹۸۹، قمشی ۲۰۰۱، دبیر مقدم ۱۳۶۹ و کریمی ۱۹۹۷)، این زبان را بطور کلی فاقد فرایند ارتقا می‌دانند. آنها با ارائه شواهدی ابراز می‌کنند در این زبان در چنین ساخت‌هایی (مانند نمونه ۱) تنها نوعی مبتداسازی رخ داده است.

۱- بچه‌ها به نظر میاد (که) خسته باشن.

کریمی (۲۰۰۵) با در نظر گرفتن این حقیقت که زبان فارسی زبانی ضمیر انداز است و قلب نحوی در این زبان به کرات اتفاق می‌افتد، ادعا می‌کند تغییر در ترتیب سازه‌های جمله در این زبان، تنها به دلایل کاربردی، چون مبتداسازی یا تأکید، اتفاق می‌افتد. وی همچنان خاطر نشان می‌کند ساخت مصدری یا ناخودایستا در زبان فارسی وجود ندارد و آنچه معمولاً در ساخت‌های اصطلاح ارتقایی به کار می‌رود، صورت التزامی فعل است؛ بدین معنی که دارای عناصر ساختاری ب- (وجه التزامی) و پسوند تطابق (شخص و شمار) است. در نتیجه، اولاً فاعل بند درونه به دلیل خودایستا بودن بند درونه نمی‌تواند به بند اصلی ارتقا یابد، چرا که فاعل آشکار بند درونه حالت خود را در همان جایگاه فاعل بند درونه از فعل خود ایستا دریافت می‌کند و لزومی ندارد برای گرفتن حالت به بند اصلی ارتقا یابد. دوم این‌که برخلاف ساخت ارتقایی در

زبان انگلیسی، هیچ نوع تطابقی بین فاعل به اصطلاح ارتقا یافته و فعل بند پایه وجود ندارد، بلکه این فاعل ارتقا یافته با فعل بند درونه مطابقت دارد (۲) و سوم این که در این ساختار این امکان وجود دارد که به غیر از فاعل، دیگر عناصر بند درونه نیز به درون بند پایه جا به جا شوند، مثلاً در نمونه (۳) در حالی که فاعل بند درونه در جایگاه خود باقی مانده است، مفعول به درون بند پایه حرکت کرده است، و هیچ نوع تطابقی بین فعل و این مفعول جا به جا شده وجود ندارد.

۲- بچه ها به نظر میاد/ * میان خسته باشن.

۳- کتابا رو به نظر میاد/ * میان (که) بچه ها خونده باشن.

به عقیده هاشمی پور (۱۹۸۹) نیز ساخت ارتقایی در زبان فارسی وجود ندارد و این حرکت از درون بند درونه به جایگاه غیر موضوع صورت گرفته است. وی با توجه به اصطلاح پاره‌هایی نظیر آنچه در مثال‌های ۴ (الف و ب) آمده است، بدین نتیجه رسیده است گروه اسمی جا به جا شده در جایگاه غیر موضوع فرود آمده است. به نظر او به دلیل آن‌که گروه اسمی درون یک اصطلاح پاره نقش معنایی نمی‌پذیرد، طبیعتاً باید به جایگاه فاقد نقش معنایی و در نتیجه جایگاه غیر موضوع حرکت کرده باشد.

۴- الف- به نظر می رسد که حنای او پیش کسی رنگ ندارد.

ب- حنای او به نظر می رسد که پیش کسی رنگ ندارد.

اما همانطور که درزی (۱۳۸۹) نیز اشاره می‌کند با توجه به اینکه جایگاه مفعول برخی از افعال و جایگاه فاعل جملات مجهول نیز از جمله جایگاه‌هایی هستند که فاقد نقش معنایی هستند، نمی‌توان نتیجه‌گیری وی در این خصوص که این گروه اسمی موجود در اصطلاح پاره به جایگاه غیر موضوع حرکت کرده است را صحیح دانست. چرا که هر جایگاه فاقد نقش معنایی الزاماً جایگاه غیرموضوع نیست.

از نظر طالقانی (۲۰۰۸) نیز در زبان فارسی ساخت ارتقایی وجود ندارد. وی به علت عدم مطابقت فاعل با افعال وجهی «باید» و «شاید»، این افعال را دارای ساختاری شبه ارتقایی^۱ می‌داند. حال آن‌که همان‌طور که در مقاله حاضر نشان داده می‌شود علاوه بر زبان فارسی در برخی از زبان‌های ضمیرانداز ثابت دیگر نیز نه تنها افعال وجهی بلکه افعال اصلی ارتقایی فاقد تصریف یا به عبارتی دارای تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد هستند و این عدم تطابق نمی‌تواند دال بر مبتداسازی فاعل بند درونه به بند بالاتر و شبه‌ارتقایی بودن این ساختارها

باشد. (برای اطلاع بیشتر از ارتقایی یا کنترلی بودن افعال وجهی رجوع شود به متولیان ۱۳۹۵ الف)

در مقابل نظر منکران وجود ساخت ارتقا در زبان فارسی، درزی (۱۹۹۲) با استدلال‌هایی همچون اصطلاح پاره‌ها، محدودیت‌های گزینشی، ابهام دامنه‌ی سورها و عناصر قطبی منفی به وضوح میان فرآیند ارتقائی و ساخت‌های کنترلی تمایز می‌نهد. همچنین وی با استدلال‌هایی چون سور شناور، توزیع ضمیر انعکاسی _ تاکیدی عریان "خود" و دامنه‌ی سور عمومی نشان می‌دهد که چنین ساخت‌هایی حاصل فرایند ارتقای فاعل به فاعل و حرکتی از نوع حرکت به جایگاه موضوع می‌باشد^۲ (برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به درزی ۱۳۸۹).

در ادامه پس از بررسی مبانی نظری ساخت ارتقایی، چهار نوع مختلف ساخت ارتقایی خودایستا اعم از فرا ارتقا، فوق ارتقا، بیش ارتقا و ارتقای کپی در زبان‌های مختلف و فرضیه‌های متفاوت درباره‌ی آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت سعی می‌شود جایگاه زبان فارسی در این تحلیل بین زبانی از ساخت ارتقایی مشخص گردد.

۲. ساخت ارتقایی در برنامه‌ کمینگی

در چهارچوب برنامه‌ کمینگی که ابتدا توسط چامسکی (۱۹۹۲) ارائه شد و سپس توسط کارهای بعدی وی (۱۹۹۴ و ۱۹۹۵) بسط و گسترش یافت، اصل فرافکن و قواعد ایکس تیره به علت عدم الزام مفهومی کنار گذاشته می‌شود؛ از اینرو در ساخت‌هایی مانند ساخت ارتقایی روابط دستوری را نمی‌توان با یک شیوه واحد به روابط ساختاری منسوب کرد. در واقع در رویکرد کمینه‌گرا به جای روابط ساختاری، روابطی که توسط بازبینی مشخصه‌های صوری به دست می‌آید به عنوان اصل بدیهی در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب، در این نظریه نقش‌های دستوری به روابط بازبینی منسوب می‌شود. به عنوان نمونه نقش دستوری خاص مانند فاعل به بازبینی مشخصه‌ی فای گروه حرف تعریف با هسته‌ی تصریف (INFL) یا همان هسته‌ی زمان (T) مربوط می‌شود و تنها موضوعی که در ارتباط با بازبینی مشخصه‌های فای در هسته‌ی زمان قرار گیرد دارای ویژگی فاعل در نظر گرفته می‌شود (چامسکی ۱۹۹۵). از سوی دیگر براساس رویکرد کمینه‌گرا (۲۰۰۰) بازبینی مشخصه‌های فای هسته‌ی زمانی با گروه اسمی فاعلی منجر به

بازبینی حالت ساختاری گروه اسمی می‌شود و این امر باعث منجمد شدن گروه اسمی در جایگاه خود و مانع حرکت موضوعی آن می‌گردد. طبق این دیدگاه، حرکت فاعل بند درونه به جایگاه فاعلی بند پایه در صورتی امکان پذیر است که بند درونه دارای متمم ناخودایستا و به عبارتی یک بند ناقص باشد و ارتقا از بندهای خودایستا که دارای ویژگی‌های زمان و مطابقه هستند و در واقع بندهای کاملی هستند مجاز نیست.

پدیده ارتقا طبق نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی (چامسکی ۱۹۸۱) برای کسب حالت و براساس برنامه کمینگی (۱۹۹۵) که چهره امروزی دستور زایشی و استمرار نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی است با انگیزه بازبینی حالت صورت می‌گیرد. ارتقا عملیاتی نحوی است که طی آن فعل بند پایه، سبب حرکت گروه اسمی از جایگاه فاعلی بند درونه به جایگاه فاعلی بند پایه می‌شود (پستال ۱۹۷۴: ۲۸۴). یکی از ویژگی‌های مهم ساخت ارتقایی این است که فاقد موضوع بیرونی است و فاعل روساختی در این ساخت از بند درونه نشأت می‌گیرد. این پدیده را می‌توان با مثال انگلیسی (۱) به تصویر کشید. در این جمله گروه اسمی (Sara)، به جایگاه فاعلی بند پایه (جایگاه موضوع) ارتقا پیدا کرده است و در واقع از لحاظ معنایی به بند پیرو تعلق دارد. تطابق مشخصه‌های صرفی-نحوی این گروه اسمی با فعل بند پایه خود به عنوان دلیلی بر موضوعی بودن این حرکت فرض می‌شود.

5- Sara seems to leave here.

براساس این دیدگاه، در جمله فوق گروه اسمی (Sara)، ابتدا به منظور بازبینی مشخصه فرافکن بیشینه گسترده در هسته زمانی، از جایگاه شاخص فرافکن بیشینه گروه فعلی کوچک (VP) به جایگاه شاخص گروه زمان در بند پیرو حرکت می‌کند و از آنجا که هسته زمانی بند درونه به علت ناقص بودن قادر به بازبینی مشخصه حالت گروه اسمی نیست به این منظور از آنجا به جایگاه شاخص فرافکن بیشینه گروه زمان در جمله پایه ارتقا می‌یابد. این امر که حرکت گروه اسمی (Sara) به جایگاه فاعل بند پایه را در پی دارد باعث می‌شود شرط فرافکن گسترده (EPP) یا به عبارت دیگر نیاز جمله به فاعل نیز مرتفع گردد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چگونه بدون نقض کمینگی می‌توان امکان وجود انواع ساخت ارتقای غیرموضوعی را در زبان‌های مختلف تبیین کرد، حال آن که هسته زمان در بند درونه خودایستا دارای مشخصه‌های کامل است و به نظر می‌رسد این نوع ساخت شرط زنجیره‌ها (چامسکی ۱۹۸۶) را نقض می‌کند. به طور کلی، حرکت از جایگاه حالت به جایگاه

حالت دیگر موضوعی چالش برانگیز است چرا که بر اساس شرط زنجیره‌ها اعتقاد بر این است که حرکت گروه اسمی باید از جایگاه غیر حالت به جایگاه حالت صورت‌پذیرد. در صورت‌های جدیدتر نظریه گشتاری-زایشی این فرض را تحت عنوان شرط چاره‌نهایی (چامسکی و لسنیک ۱۹۹۳) و اصل طمع (چامسکی ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) بیان می‌کنند. براساس این شرط حرکت یک سازه نحوی تنها به انگیزه بازبینی مشخصه صرفی خود صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر حرکتی صورت نمی‌گیرد مگر این‌که راه نجات اشتقاق از ساقط شدن باشد. تعدادی از زبان‌شناسان سعی کرده‌اند با توسل به نظریه شاخص چندگانه^۲، بازبینی چندباره‌ی مشخصه‌ها و پارامتر زمان ارزشگذاری حالت (رک، چامسکی ۱۹۹۵، کالینز ۱۹۹۵، اورا ۱۹۹۴ و فرناندز سلگویرو ۲۰۰۸، ۲۰۱۱) در ساخت ارتقای کپی، فوق ارتقا، فرالرتقا و بیش‌ارتقا را در زبان‌های مختلف تبیین کنند. براساس بازبینی چندباره‌ی مشخصه‌ها انتظار می‌رود هسته (H) بتواند وارد بیش از یک رابطه بازبینی مشخصه‌ای شود. به طوری که اگر به عنوان نمونه فرض کنیم زبانی اجازه دهد INFL با چندین موضوع وارد رابطه بازبینی چندباره شود در این زبان وجود یک بند با چند فاعل امکان‌پذیر خواهد بود. از سوی دیگر طبق این دیدگاه، مشخصه‌های صوری متفاوت در یک هسته واحد می‌توانند با عناصر مستقل بازبینی شوند مثلاً در برخی زبان‌ها در ساخت ارتقایی، به منظور ارزشگذاری و حذف مشخصه‌های فای در هسته زمانی بند درونه، هسته زمانی با گروه حرف تعریف فاعلی در جایگاه مشخص‌گر هسته فعل (V) وارد رابطه مطابقت می‌گردد. در این زمان از اشتقاق، گروه حرف تعریف فاعلی می‌تواند برای بازبینی مشخصه حالت، از جایگاه مشخص‌گر فعل [spec, V] به جایگاه مشخص‌گر زمان در بند درونه [spec, T] حرکت کند اما از آنجا که با انجام این عمل، گروه حرف تعریف برای عملگر نحوی دیگر غیرفعال می‌شود، برای جلوگیری از ساقط شدن اشتقاق، ارزشگذاری مشخصه حالت در گروه فاعلی درونه تا زمانی که هسته زمانی بندپایه وارد اشتقاق گردد به تأخیر می‌افتد. بنابراین مشخصه‌های فای و مشخصه‌های حالت فاعلی در هسته زمان به صورت مستقل بازبینی می‌شوند. در بخش‌های بعدی خواهیم دید چگونه با استفاده از نظریه شاخص چندگانه، بازبینی چندباره‌ی مشخصه‌ها و پارامتر زمان ارزشگذاری حالت می‌توان انواع ساخت ارتقایی غیر موضعی را در زبان‌های مختلف تبیین نمود.

۳. رده‌شناسی ساخت‌های ارتقایی از فاصله طولانی (یا غیر موضعی)

همانطور که قبلاً اشاره شد در پژوهش حاضر در پی آن هستیم که با در نظر گرفتن ساخت‌های ارتقایی در زبان‌های مختلف نشان دهیم برخلاف تصور منکران ساخت ارتقای غیرموضعی، ارتقا از درون بند متممی خودایستا نیز صورت می‌پذیرد. به این منظور با چشم پوشی از زبان‌هایی که فرایند ارتقا از درون بند متممی خودایستای اخباری در آن‌ها امکان‌پذیر است (مانند مواردی در زبان‌های ترکی (مور ۱۹۹۸)، پرتغالی برزیلی (رودریگس ۲۰۰۴) و زبانهای بانتو (پرز ۱۹۸۸))، صرفاً شواهدی از زبان‌های مختلف که در آنها محمول ارتقایی، بند متممی خودایستای التزامی برمی‌گزیند (مانند یونانی (سومس و پرمیوتر ۱۹۷۹)، رومانیایی (گراسو و هرواس ۱۹۸۴)، ژاپنی (یوچیوری ۲۰۰۱)، ظلویی (زلاو ۲۰۰۶)) را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این راستا در زبان‌هایی که محمول ارتقایی در آنها بندالتزامی خودایستا برمی‌گزیند به چهار نوع ساخت ارتقایی دست می‌یابیم: ساخت ارتقای کپی، فوق‌ارتقا، فرارتقا و بیش‌ارتقا. سپس به بررسی تمایز بین انواع این ساخت‌ها و تبیین آنها می‌پردازیم.

۱.۴. ساخت فرارتقا

فرارتقا که در زبان‌هایی مانند (یونانی، ظلویی، ژاپنی، پرتغالی برزیلی، ...) مشاهده می‌شود به ساخت‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها گروه حرف تعریف فاعلی از جایگاه فاعلی بند درونه خودایستا به جایگاه فاعلی بند پایه حرکت می‌کند و در جایگاه فاعلی بند درونه از خود یک اثر به‌جا می‌گذارد. این فاعل حرکت داده شده الزاماً با فعل بند پایه مطابقت دارد. در زیر به نمونه‌هایی از این ساخت اشاره می‌شود.

۱.۱.۴. ساخت فرارتقا در زبان یونانی

در مثال (۲a,b) از زبان یونانی محمولی مانند "fenome" (seem) باعث حرکت گروه حرف تعریف از جایگاه فاعل بند درونه به جایگاه فاعل بند پایه شده است. در مثال (۶a) عبارت متممی با متمم نمای اخباری otí مشخص شده است در حالی که در جمله (۲b) متمم نمای التزامی na به کار رفته است. در (۶a) فاعل موضوعی بند درونه در جایگاه فاعلی درونه قرار دارد و همانطور که مشخص است گروه اسمی I kopeles بعد از متمم نما واقع شده است؛

اما در (٦b) گروه اسمی I kopeles در جایگاه فاعلی بند اصلی قرار دارد و با فعل بند اصلی از لحاظ شخص و شمار مطابقت دارد. (سومس و پرمیوتر ١٩٧٩):

6-a. Fenete [oti I kopeles øa fergun].
Seem-3sG comp the girls-NoM Fut leave.
It seems that the girls leave here.

b. I kopeles fenonde [na fergun].
The girls-Nom seem-3pl SUBJ leave.
The girls seem to leave here. (Greek, Soames and perlmutter, 1979: 156)

سومس و پرمیوتر (١٩٧٩) با ارائه شواهدی از جمله هم‌معنا بودن صورت معلوم و مجهول جمله در صورت مجهول‌سازی فعل بند پیرو و همچنین حفظ خوانش اصطلاحی در صورت حرکت بخش فاعلی اصطلاح پاره به جایگاه فاعلی بند پایه معتقدند که فاعل بند اصلی در چنین جملاتی تحت فرآیند فراررتقا قرار گرفته است.

٢.١.٤. ساخت فراررتقا در زبان ظلویی

در زبان ظلویی نیز ساخت فراررتقا یافت می‌شود (Zeller b ٢٠٠٦). به طوری که در این زبان گروه حرف تعریف فاعلی از درون بند خودایستای متممی به جایگاه فاعلی بند پایه حرکت می‌کند.

7- Amadoda a-fanele [ukuthi a-hamb-e manje].
man6 SM6-ought that SM6-leave-SUBJ now
The men ought to leave now. (Zulu; Zeller 2006b: 1)

علاوه بر زبان‌های فوق، وجود ساخت فراررتقا در زبان‌های دیگر از جمله رومانیایی، پرتغالی برزیلی، عربی مراکشی، تلوگویی، ژاپنی... (برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به گروسو و هرواس ١٩٨٤، فرناندز و سلگیرو ٢٠٠٨، اورا ١٩٩٤ و یوچیوری ٢٠٠١) به اثبات رسیده است. در قالب تحلیل اورا (١٩٩٤) از آنجا که جایگاه فاعل در زبان‌های دارای ساخت فراررتقا می‌تواند توسط یک ضمیر ناملفوظ پر شود، این جایگاه ضرورتاً دارای حالت نیست. از این‌رو فاعل ارتقا یافته در زیرساخت می‌تواند در جایگاهی فاقد حالت قرار داشته باشد و در آن جایگاه صرفاً مشخصه‌های شخص، شمار و جنس خود را با هسته مطابقت جمله پیرو بازبینی کند و سپس برای بازبینی حالت هسته زمان و مشخصه‌های شخص، شمار و جنس هسته مطابقت در جمله پایه به جایگاه فاعل آن جابه‌جا شود.

۲.۴. ساخت ارتقای کپی

اگر ارتقای فاعل از بند درونۀ خودایستا یا به عبارت دیگر فرایند فرارتقا با به جا گذاشتن کپی ضمیری در جایگاه فاعلی بند درونه همراه باشد به این نوع ساخت، ساخت ارتقای کپی اطلاق می‌شود. در این نوع ساخت، کپی ضمیری الزاماً با فاعل گروه حرف تعریف ارتقا یافته هم‌مرجع است و دارای تعبیر معنایی یکسان هستند (سومس و پرمیوتر ۱۹۷۹). به عبارت دیگر هر دو عنصر دارای نقش معنایی یکسان هستند. بنابراین گروه حرف تعریف که تحت تأثیر ارتقای کپی قرار گرفته و کپی ضمیری آن یک زنجیره واحد A را تشکیل می‌دهند (دپرز ۱۹۹۲). در بخش زیر به نمونه‌هایی از زبان‌های مختلف حاوی این ساخت اشاره می‌شود.

۱.۲.۴. ارتقای کپی در زبان یوروبایی

در زبان یوروبایی ارتقای گروه حرف تعریف فاعلی از درون بند متممی خودایستا، در محل خروج از خود یک کپی ضمیری به‌جای می‌گذارد (آدسولا ۲۰۰۵). در جمله (۸)، محمول بند پایه "JO" (seem) بند متممی خودایستا برمی‌گزیند که با متمم‌نمای " pé " (that) آغاز می‌شود. در این جمله، گروه حرف تعریف فاعلی از جایگاه اصلی خود حرکت کرده و در جایگاه فاعلی بند پایه ظاهر شده است و در عوض جایگاه فاعلی بند درونه توسط کپی ضمیری هم‌مرجع اجباری (wóni) پر شده است.

8-Olú àti Adé jọ [pé wóni ní owó lọwọ]

Olu and Ade resemble that they have money in hand

Olu and Ade seem to be rich. (Yoruba; Adesola, 2005: 110-112)

۲.۲.۴. ارتقای کپی در زبان ایگبویی

در مثال (۹a) از زبان ایگبویی محمول بند پایه، بند خودایستا را بر گزیده است که با متمم‌نمای " kà " آغاز شده است و فاعل معنایی بند درونه، گروه حرف تعریف معنایی "Ézè" پس از این متمم‌نما و در جایگاه فاعلی بند درونه قرار گرفته است. در مقابل در جمله (۹b) گروه حرف تعریف فاعلی "Ézè" در جایگاه فاعلی بند پایه ظاهر شده است و جایگاه اصلی آن در بند درونه توسط ضمیر کپی پر شده است. همانطور که در جمله (۹b) مشخص است ضمیر کپی الزاماً با گروه حرف تعریف ارتقا یافته هم‌مرجع است.

9-a. Ó di m [kà Ézè hũ-rũ Adá]
EXPL seems to me COMP Eze see-ASP Ada
It seems to me that Eze saw Ada.

b. Ézè_i di m [kà o_i hũ-rũ Adá]
Eze seems to me COMP he see- ASP Ada
Eze seems to me that he saw Ada. (Literal interpretation)
It seems to me that Eze saw Ada. (Intended meanin) (Igbo; Ura, 1998: 68)

علاوه بر زبان‌های مطرح شده فوق، ساخت ارتقای کپی در زبان‌های دیگری مانند بلک فوتی (فرنتز ۱۹۷۸)، عبری (لاپین ۱۹۸۴)، بربری (ابنی ۱۹۸۷)، کوسالی^۱ (لدوساو و انگلند ۱۹۸۷) و زبان کریول هائیتی (دپرز ۱۹۹۲) نیز مشاهده می‌شود. همانطور که اشاره شد ارتقای کپی نام فرایندی است که طی آن یک گروه حرف تعریف از درون بند خودایستا به جایگاه فاقد نقش معنایی در بند پایه منتقل می‌شود و به جای اثر از خود یک کپی ضمیری به جای می‌گذارد که معمولاً با مرجع خود از نظر شخص، شمار و جنس مطابقت دارد. به این ترتیب گروه حرف تعریف و کپی ضمیری آن یک زنجیره واحد A را تشکیل می‌دهند. این امر رابطه تک معنایی بین کپی و مرجع آن را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد این ساخت همانند ساخت فرارثقا شرط زنجیره‌ها (چامسکی ۱۹۸۶) را نقض کند. اورا (۱۹۹۶) سعی می‌کند با ارائه تبیینی مناسب از ارتقای کپی نشان دهد ارتقای کپی شرط چاره‌نهایی در تعریف حرکت/جذب را نقض نمی‌کند. از نظر وی اصل طمع، حرکت عنصری را به جایگاه دیگر بدون این‌که بازبینی‌ای صورت گیرد مجاز می‌داند، مشروط به این‌که این حرکت منجر به بازبینی مناسب در جایگاه دیگر شود. وی (۱۹۹۴ و ۱۹۹۶) بازبینی مشخصه‌ها را به عنوان یک عملگر نحوی می‌پذیرد و سپس براساس شرط اقتصاد در مورد عملگرها (چامسکی ۱۹۹۵) به این نتیجه می‌رسد که بازبینی مشخصه‌ها مانند جذب/حرکت یا حتی ادغام (ر.ک. کالینز ۱۹۹۵، فوجی تا ۱۹۹۵) رخ نمی‌دهد مگر این‌که اجباری برای همگرایی اشتقاق وجود داشته باشد.

از نظر اورا (۱۹۹۶) از آنجا که زبان ایگو دارای پوچواژه آشکار است مشخصه اصل فرافکن گسترده (یعنی مشخصه D) در هسته زمان (T) خودایستای آن قوی است و انتظار می‌رود مشخصه قوی فوراً یعنی در گام بلافصل بعدی اشتقاق، پس از ظاهر شدن بازبینی

گردد به عبارت دیگر این مشخصه لازم است قبل از بازنمون برای همگرایی اشتقاق بازبینی شود. پس باید عنصری که دارای مشخصه D است به شاخص گروه زمان حرکت کند تا مشخصه اصل فرافکن گسترده قوی را در هسته زمان بازبینی کند. بنابراین در جملات (b) و (10) از آنجای که "Eze" نزدیک‌ترین گروه حرف تعریف به هسته زمان است در جایگاه شاخص گروه زمان جذب می‌شود.

حال می‌خواهیم بدانیم چه اتفاقی برای مشخصه‌های حالت و فای در "Eze" رخ می‌دهد. آیا این مشخصه‌ها نیز در همین مرحله بازبینی می‌شوند. همانطور که قبلاً اشاره شد فرض اورا (1996، 1994) بر این است که بازبینی عملگری است که برای همگرایی اشتقاق لازم است. اما از آنجا که مشخصه‌های فای و حالت در "Eze" ضعیف است بنابراین می‌توانند وارد رابطه بازبینی با مشخصه‌های فای و حالت در هسته زمان نشوند و قبل از بازنمون چک نشده باقی‌مانند. به این ترتیب "Eze" پس از بازبینی مشخصه اصل فرافکن گسترده بدون بازبینی مشخصه‌های حالت و فای هسته زمانی در بند درونه به جایگاه شاخص زمان در بند پایه منتقل می‌شود.

10- [TP Eze_k T.....[CP COMP [TP t_k T [VP v[VP V Ada]]]]

همانطور که در اشتقاق (10) مشخص است حرکت گروه اسمی "Eze" از شاخص هسته زمان درونه به شاخص هسته زمان پایه از شرط چاره نهایی تبعیت می‌کند چرا که "Eze" یک گروه حرف تعریف و دارای مشخصه (D) است و می‌تواند مشخصه اصل فرافکن گسترده را در هسته زمانی بازبینی کند. در واقع مشخصه (D) در گروه‌های حرف تعریف تعبیرپذیر است و می‌تواند وارد بازبینی چندگانه شود. مشخصه‌های حالت و فای در هسته زمانی بند پایه نیز می‌تواند توسط "Eze" بازبینی شود و آنچه بازبینی نشده باقی‌ماند مشخصه‌های فای و حالت هسته زمانی در بند درونه است. اگر هیچ عنصری در صورت منطقی این مشخصه‌ها را بازبینی نکند منجر به ساقط شدن ساخت در صورت منطقی می‌گردد. به نظر اورا (1996: 79-81) زبان ایگبو و دیگر زبان‌هایی که دارای ساخت ارتقای کپی هستند دارای قاعده خاص زبانی هستند. براساس این قاعده به جای عنصری که تحت تأثیر حرکت موضوعی قرار گرفته است در جایگاه میانی زنجیره موضوعی یعنی در شاخص هسته زمانی در بند درونه کپی ضمیری قرار می‌گیرد. فرض اورا (1996) بر این است که طبیعتاً قاعده خاص زبانی تحت تأثیر شرط کلی

اقتصاد قرار دارد به این معنی که چنین قاعده‌ای در صورتی اعمال می‌گردد که اشتقاق بدون آن ساقط شود (ر.ک. چامسکی ۱۹۸۹). درست به همین دلیل قاعده خاص زبانی بر اشتقاق (۱۰) اعمال می‌شود به این صورت که ضمیری که از لحاظ شخص، شمار و جنس با مرجع خود مطابقت دارد در جایگاه شاخص زمانی بند درونه وارد می‌شود. با قائل شدن به گروه حرف تعریفِ کپی ضمیری در جایگاه شاخص زمان، مشخصه‌های حالت و فای هسته زمان بند درونه در صورت منطقی بازبینی می‌شود. بنابراین اشتقاق با استفاده از این قاعده خاص زبانی همگرا خواهد شد.

11-[_{TP} Eze_k T.....[_{CP} COMP [_{TP} He_k T [_{VP} v[_{VP} V Ada]]]]
 - case, φ-feature

از این مبحث نتیجه گرفته می‌شود فقدان ارتقای کپی در زبان‌هایی مانند انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به دلیل عدم وجود این قاعده خاص زبانی در این زبان‌هاست.

۳.۴. ساخت فوق ارتقا

فوق ارتقا به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن گروه حرف تعریف از روی گروه حرف تعریف دیگر در جایگاه موضوعی حرکت می‌کند و در جایگاه موضوعی بالاتر فرود می‌آید. در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی چند قاعده برای ممنوع شدن فرایند فوق ارتقا ارائه شده است و اعتقاد کلی بر این است که ساخت فوق ارتقا وجود ندارد (چامسکی ۱۹۸۶، ریتزی ۱۹۹۰، لسنیک و سایتو ۱۹۹۲ و دیگران).

12-*John seems that it was told t that ... (Chomsky 1995, p. 295)

اما اورا (۱۹۹۴) با توسل به داده‌های زبان‌های مختلف نشان داده است برخلاف این عقیده، ساخت فوق ارتقا در تعدادی از زبان‌ها از جمله عربی مراکش، چینی، کچوایی^۷، کچوایی^۸ و ... مشاهده می‌شود در مثال زیر از زبان عربی نمونه‌ای از فرایند فوق ارتقا نشان داده شده است:

13-dhanan-tul-taalib-a_k[?annaZaynab-ata-‘rifu-hut_k].
 Believed-1SGthe-student-ACC COM Zaynab -ACC3FSG-know-3MSG
 I believed that Zaynab knew the student. (Standard Arabic, Ouhalla 1994:67)

اورا (۱۹۹۴) بر اساس نظریه ساخت گروهی عریان (چامسکی ۱۹۹۴) تبیینی بسیار ساده از این فرایند ارائه می‌کند. طبق این نظریه یک هسته واحد (H)، می‌تواند دارای چندین شاخص باشد و مجاز بودن یا نبودن این موضوع به پارامتر خاص زبانی مربوط می‌گردد. حال اگر در زبانی چند شاخصی بودن برای هسته مجاز باشد A می‌تواند از روی B حرکت کند و در یکی از شاخص‌های چندگانه هسته (H) قرار گیرد به این ترتیب شاخصی از هسته که اشغال نیست برای عنصر A به عنوان مفرّ عمل می‌کند و سپس اگر این سازه با هسته (H) در رابطه بازبینی حالت قرار نگیرد می‌تواند از این جایگاه حرکت کند و در جایگاه موضوع در بند بالاتر قرار گیرد. در چنین شرایطی ساخت فوق ارتقا حاصل می‌گردد.

همچنین اورا (۱۹۹۶) برای توضیح فقدان مطابقت تصریف بین عنصر ارتقا یافته A و هسته (H) و مبهم بودن رابطه بازبینی مشخصه‌ای بین A و هسته (H) از نظریه بازبینی چندباره مشخصه‌ای کمک می‌گیرد. وی (۱۹۹۶: ۸۵) ابتدا با استفاده از تبیین صالح (۱۹۸۵a) نشان می‌دهد هنگامی که در جمله (۱۴) بند پایه مجهول می‌گردد گروه حرف تعریف ارتقا یافته تحت تأثیر حرکت موضوعی دیگر به جایگاه فاعل در بند پایه منتقل می‌شود و از آنجا که حرکت موضوعی-غیرموضوعی-موضوعی ممنوع است تحلیل مبنی بر حرکت غیر موضوعی گروه حرف تعریف ارتقا یافته مورد تردید قرار می‌گیرد و این حرکت الزاماً باید موضوعی باشد:

14-dhanan-aal-taalib-u_k[?annaZaynab-ata-'rifu-hut_k].
 Believed(PASS)-3SGthe-student-ACC COMP -ACC3FSG-know-3MSG
 Lit. The student_k was believed that Zaynab knew him_k.

(Standard Arabic, Coopmans 1994:81)

نکته اصلی در ساختار فوق‌ارتقا این است که گروه حرف تعریف تحت تأثیر این فرایند از جایگاه موضوعی بند درونه به جایگاه موضوعی بند پایه ارتقا می‌یابد و از روی گروه حرف تعریف فاعلی بند درونه عبور می‌کند. اما این سؤال مطرح می‌شود که چرا گروه حرف تعریف مفعولی در بند درونه تحت تأثیر حرکت موضوعی طولانی قرار گرفته؛ حال آن که نظر کلی این است که حرکت موضوعی گروه حرف تعریف از جایگاه بازبینی حالت غیر ممکن است. قبلاً اشاره شد که اورا بازبینی را به عنوان عملگری در اشتقاق فرض می‌کند و نشان می‌دهد در صورتی که قاعده ارتقای کپی در زبان، اشتقاق را از ساقط شدن نجات دهد گروه حرف تعریف حتی از جایگاه حالت نیز می‌تواند تحت تأثیر حرکت قرار گیرد. همان طور که در جمله (۱۵) قابل مشاهده است در زبان عربی معیار نیز ساختار ارتقای کپی وجود دارد:

15- yabdul-mu/allim-u_k [ʔanna-hu_ksarahal-qasi:dat-a]
 seemthe-teacher-NOMCOMP he explained the-poem-ACC
 It seems that the teacher explained the poem.

بنابراین در مورد جمله (۱۳) می‌توان گفت پس از ارتقای گروه تعریف مفعولی، کپی ضمیری آن به فعل درونه پی‌بست شده است. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت گروه حرف تعریف ارتقا یافته در (۱۳) به این دلیل توانسته است بدون بازبینی حالت از درون بند درونه تحت تأثیر حرکت موضوعی طولانی قرار گیرد که از خود کپی بجا گذاشته است و آن کپی برای بازبینی حالت و مشخصه‌های فای در V در دسترس است.

۴.۴. ساخت بیش ارتقا

در فرایند بیش‌ارتقا نیز شبیه فرایند فرارارتقا گروه حرف تعریف از جایگاه شاخص هسته زمانی حاوی فای کامل در بند درونه به جایگاه شاخص هسته زمانی حاوی فای کامل در بند پایه حرکت می‌کند با این تفاوت که در فرایند فرارارتقا گروه حرف تعریف با هسته زمانی بند پایه مطابقت دارد در حالی که در فرایند بیش‌ارتقا چنین مطابقتی مجاز نیست و فعل بند پایه در ساخت بیش‌ارتقا در هر صورت (چه فاعل بند درونه به فاعل بند پایه ارتقا یابد و چه در جایگاه خود باقی‌بماند) دارای تصریف سوم شخص مفرد است (فرناندز سلگویرو ۲۰۰۵، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱). قابل ذکر است که هیچ زبانی هر دو نوع فرایند فرارارتقا و بیش‌ارتقا را مجاز نمی‌داند. زبان‌های گالیسیایی، اسپانیولی، پرتغالی اروپایی، کاتالانی و ایتالیایی فرایند بیش‌ارتقا را مجاز می‌دانند در حالی که در این زبان‌ها ساخت فرارارتقا امکان‌پذیر نیست. در مقابل در زبان‌های پرتغالی برزیلی و رومانیایی فرایند فرارارتقا امکان‌پذیر است و فرایند بیش‌ارتقا مجاز نیست (زوارت ۱۹۹۷، فریرا ۲۰۰۴). در ساخت بیش‌ارتقای زیر از زبان گالیسیایی عدم مطابقت فاعل ارتقا یافته با فعل ارتقایی قابل ملاحظه است:

16- Algu'ns nenos parece que esta'n tolos.

some kids seems that are crazy

Some kids seem to be crazy. (Galician; Ferná'ndez-Salgueiro 2011:13)

فرناندز سلگویرو (۲۰۰۸، ۲۰۱۱) با ارائه شواهدی مختلف نشان می‌دهد حرکت گروه

حرف تعریف در ساخت بیش‌ارتقا نمونه‌ای از مبتداسازی نیست. اول این‌که با حرکت بخش فاعلی اصطلاح‌پاره به جایگاه فاعلی بند پایه همچنان معنی اصطلاح‌پاره حفظ می‌شود. در حالی-

که در ساخت‌های غیرارتقایی در چنین شرایطی معنای اصطلاحی حفظ نمی‌شود. دوم این‌که حرکت سوز در چنین جملاتی حوزه آن را منجمد نمی‌کند. از سوی دیگر در زبان‌هایی مانند گالیسیایی، پرتغالی و برزیلی عناصر غیرارجاعی نمی‌توانند مبتداسازی شوند اما می‌توانند تحت تأثیر فرایند بیش‌ارتقا قرار گیرند.

فرناندز سلگیرو (۲۰۰۸، ۲۰۱۱) با توجه به شواهد فوق نشان می‌دهد ساخت بیش‌ارتقا نوعی حرکت موضوعی است. وی با تغییر رویکرد مطابقه‌مدار چامسکی معتقد است در واقع در چنین ساختی گروه حرف تعریف در بند درونه برای ارضای مشخصه اصل فرافکن گسترده از جایگاه شاخص گروه فعلی خود به جایگاه شاخص هسته زمانی حرکت می‌کند. پس از این ادغام مشخصه‌های فای در هسته زمانی با مشخصه‌های فای گروه حرف تعریف متناظر می‌شود و مشخصه‌های فای هسته زمانی ارزشگذاری می‌شود، اما ارزشگذاری مشخصه حالت در گروه اسمی به تعویق می‌افتد. از اینرو اشتقاق ادامه پیدا می‌کند و هسته زمانی بند پایه که خود دارای مشخصه اصل فرافکن گسترده است وارد اشتقاق می‌شود. گروه حرف تعریف می‌تواند برای ارضای این مشخصه بدون این‌که اصل چاره نهایی نقض گردد ارتقاء یابد، چرا که مشخصه حالت در آن هنوز ارزشگذاری نشده است. پس از این‌که گروه حرف تعریف اصل فرافکن گسترده بند پایه را ارضا کرد، مشخصه حالت آن توسط عملگر مطابقه ارضا می‌شود.

۵. ساخت ارتقایی در زبان فارسی

به طور کلی با توجه به شواهد مختلفی که در مورد زبان فارسی (درزی ۱۳۸۹ و ۱۹۹۳) و زبان‌های مختلف دیگر (زبان ظلویی زلر ۲۰۰۶a,b؛ زبان کریول هائیتی دپرز ۱۹۹۲؛ زبان ایگویی اورا ۱۹۹۸؛ ...) اشاره شده است در زبان فارسی نیز ساخت‌های مورد بحث در مقاله حاضر، در آزمون ساخت ارتقایی صدق می‌کنند. در زیر به مواردی از این شواهد اشاره می‌شود:

الف) به علت این‌که ساخت‌های حاوی افعال ارتقایی (مانند ۱۷ الف)، فاقد موضوع بیرونی است با ارتقای فاعل اصطلاح‌پاره‌ها به جایگاه فاعلی این افعال همچنان معنای اصطلاحی حفظ می‌گردد. حال آن‌که در ساخت غیرارتقایی (۱۷ ب)، در چنین شرایطی معنای اصطلاحی حفظ نمی‌شود.

۱۷- الف. در چنین شرایطی، گریه به نظر می‌رسد زبانش را بخورد.

ب. گریه سعی دارد زبانش را بخورد.

ب) از آنجا که در زبان فارسی بازبینی چندبارهٔ مشخصهٔ فای امکان‌پذیر نیست، فعل تنها می‌تواند با موضوع بیرونی خود وارد رابطهٔ تطابق شخص و شمار گردد، به عبارت دیگر در ساخت ارتقایی از آنجا که محمول ارتقایی فاقد موضوع بیرونی است و موضوع بیرونی بند درونه یکبار وارد رابطهٔ بازبینی فای با هستهٔ تصریف بند پیرو می‌شود، قادر نخواهد بود مجدداً با فعل بند پایه وارد رابطهٔ بازبینی شود از اینرو افعال ارتقایی در این زبان، چه دارای پوچواژهٔ تهی باشند و چه دارای فاعل روساختی ارتقا یافته همواره دارای تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد خواهند بود. این امر این نوع ساخت را از ساخت‌های غیر ارتقایی متمایز می‌سازد. به این ترتیب حتی در جملات غیرارتقایی (مانند ۱۸ب) نیز، می‌توان علاوه بر ملاک نقش معنایی، علت قائل شدن به وجود عنصر غیر آشکار در جایگاه فاعلی بند پیرو را به این صورت تبیین کرد که از آنجا که هر گروه اسمی در زبان فارسی تنها یکبار قادر به ارزشگذاری مشخصه‌های فای هستهٔ تصریف خواهد بود، در بند درونه نیز عنصری غیر آشکار با هستهٔ تصریف وارد رابطهٔ بازبینی شده است و نمی‌توان قائل به حرکت گروه اسمی "او" به جایگاه فاعلی بند پایه بود.

۱۸- الف. آنها به نظر می‌رسد/ * به نظر می‌رسند اینجا بمانند.

ب. او ز امید دارد که e_i/j در امتحان قبول شود.

ج) از آنجا که فعل ارتقایی فاقد موضوع بیرونی است انتظار می‌رود مجهول‌سازی بند متممی باعث تغییر خوانش معنایی جمله نگردد (مانند ۱۹ب). اما بر خلاف آن در ساخت‌های غیرارتقایی (۲۰الف)، مجهول‌سازی بند درونه باعث تغییر معنا یا گاهی بدساختی جمله می‌گردد.

۱۹- الف. دکتر لازم است علی را معاینه کند.

ب. علی لازم است معاینه شود.

۲۰- الف. دکتر می‌خواهد علی را معاینه کند.

ب. علی می‌خواهد معاینه شود.

د) از آنجایی که افعال ارتقایی در زیر ساخت فاقد فاعل هستند و در نتیجه به فاعل روساختی نقش معنایی اعطا نمی‌کنند، بر روی مرجع فاعل روساختی شان نیز محدودیت

گزینشی اعمال نمی‌کنند (۲۱ الف). اما همان طور که در مثال (ب) قابل مشاهده است فعل غیر ارتقایی "تلاش کردن" بر روی موضوع بیرونی خود محدودیت گزینشی اعمال می‌کند و به فاعلی جاندار نیاز دارد بنابراین همراهی آن با فاعل غیرجاندار به بدساختی معنایی جمله منجر می‌شود.

۲۱- الف. امتحان به نظر می‌رسد عقب بیفتد.

ب. امتحان تلاش می‌کند عقب بیفتد.

ه) در افعال ارتقایی حرکت فاعل از بند پایین‌تر به جایگاه فاعلی بند بالاتر باعث می‌شود در این نوع ساخت‌ها شاهد ابهام حوزه‌ای باشیم. بنابراین در ساخت ارتقایی (مثال ۲۲) فاعل می‌تواند همانند خوانش (الف) حوزه‌ای وسیع‌تر^۹ یا مانند خوانش (ب) حوزه‌ای کوچک‌تر^{۱۰} از محمول اصلی داشته باشد. در صورتی که در مورد افعال غیرارتقایی (اینجا در مثال ۲۳ ساخت کنترلی)، تنها خوانش وسیع‌تر جایز است.

۲۲- این تیم لازم است بیشتر تمرین کند.

خوانش الف. تیمی وجود دارد که لازم است بیشتر تمرین کند.

خوانش ب. لازم است این تیم بیشتر تمرین کند.

۲۳- این تیم قصد دارد بیشتر تمرین کنند.

تیمی وجود دارد که قصد دارد بیشتر تمرین کند.

و) شاهد بعدی ابهام دامنه سورهاست. به طور کلی سور نمی‌تواند مرز یک جمله را رد کند یعنی ارتقای طولانی سور امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر هیچگاه در ساخت غیرارتقایی (مانند ساخت کنترلی ۲۵) مفعول بند درونه نمی‌تواند در صورت منطقی (LF) در جایگاهی فراتر از فاعل بند پایه قرار گیرد چرا که در ساخت غیرارتقایی فاعل بند پایه در جایگاه روساختی خود تولید شده است و مفعول بند درونه نمی‌تواند حوزه‌ای بزرگتر از آن داشته باشد. در مثال‌های زیر، جمله (۲۴) می‌تواند دارای دو خوانش محدود و وسیع باشد. در خوانش محدود جمله به این صورت تعبیر می‌شود که "دو معلم خاص وجود دارند که باید هر دانش آموز را راهنمایی کنند. در مقابل در خوانش گسترده می‌توان گفت " لازم است هر دانش آموز توسط دو معلم (هر دو معلمی) راهنمایی شود. این خوانش مادامی ممکن است یا به عبارت دیگر مادامی مفعول حاوی سور نسبت به فاعل حاوی سور حوزه گسترده‌تری می‌یابد که هر دو در

یک بند واقع شوند. بنابراین می‌توان در مرحله‌ای از اشتقاق در ساخت ارتقایی، این دو گروه حرف تعریف سوردار را در یک بند فرض کرد. در مقابل، ساخت کنترلی (۲۵) تنها می‌تواند دارای یک خوانش باشد.

۲۴- دو معلم لازم است هر دانش آموز را راهنمایی کنند.

خوانش الف. دو معلم وجود دارند که لازم است به هر دانش آموز راهنمایی کنند. دو < هر

خوانش ب. لازم است هر دانش آموز توسط دو معلم راهنمایی شوند. هر < دو

۲۵- دو معلم سعی می‌کنند هر دانش آموزی را راهنمایی کنند. (دو < هر)

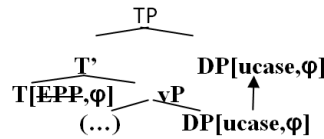
با توجه به تحلیل‌های بین زبانی و دلایل ارائه شده فوق، ما نیز همسو با درزی (۱۹۹۳ و ۱۳۸۹) بر این باوریم که در زبان فارسی علی‌رغم خودایستا بودن بند درونه شاهد وجود ساخت ارتقایی هستیم، اکنون با فرض وجود ساخت ارتقایی در زبان فارسی به دنبال آن هستیم که وجود انواع مختلف ساخت ارتقایی غیر موضعی فراررتقا، ارتقای کپی، فوق ارتقا و بیش‌ارتقا را در این زبان بررسی کنیم.

با توجه به مقایسه داده‌های زبان فارسی با داده‌هایی که از زبان‌های مختلف ارائه شد کاملاً واضح است که فرایند ارتقایی در این زبان مانند زبان‌های گالیسیایی، اسپانیولی، پرتغالی اروپایی و ایتالیایی از نوع بیش‌ارتقا است، چرا که در این زبان نیز مانند زبان‌های ذکر شده فاعل ارتقا یافته با فعل بند پایه مطابقت نمی‌کند. برای تبیین این ساخت می‌توان گفت به عنوان نمونه در ساخت بیش‌ارتقای (۲۶)، ابتدا گروه اسمی «آنها» برای ارضای مشخصه اصل فرافکن گسترده از درون گروه فعلی کوچک به جایگاه شاخص گروه زمان بند درونه حرکت می‌کند و سپس مشخصه‌های فای ارزشگذاری نشده هسته زمان را ارزشگذاری می‌کند. پس از آن این گروه اسمی می‌تواند به صورت اختیاری بازبینی مشخصه حالت خود را به تأخیر بیندازد، بنابراین فاعل بند پیرو صرفاً مشخصه‌های شخص و شمار خود را در جایگاه شاخص هسته تصریف یا زمان در جمله پیرو بازبینی می‌کند و برای بازبینی مشخصه حالت خود با فعل بند پایه وارد رابطه بازبینی می‌شود^{۱۱}: قابل ذکر است که تمامی زبان‌هایی که همانند زبان فارسی دارای ساخت بیش‌ارتقاء هستند در گروه زبان‌های ضمیرانداز قرار می‌گیرند و می‌توان فاعل تهی را در این زبان‌ها گروه اسمی‌ای فرض کرد که مشخصه حالت آن حذف نشده است. این موضوع هر چند براساس دیدگاه اشتقاق ضعیف (چامسکی ۱۹۹۵) وجود مشخصه‌ی

ارزشگذاری نشده در اشتقاق با تعبیر کامل مغایرت دارد، با دیدگاه اشتقاق قوی (اپستین و همکاران ۱۹۹۸ و اپستین و سیلی ۲۰۰۲) سازگاری دارد. بر اساس این دیدگاه نظام‌های کنشی، برون‌داد را پس از هر عملگر ادغام یعنی در لحظه‌ی اعمال آن، تعبیر می‌کند. در مورد این ساخت نیز مشخصه‌های معنایی گروه اسمی بیش‌ارتقاء یافته هنگامی که برای اولین بار در اشتقاق وارد می‌شود، تعبیر می‌گردد. اما مشخصه‌های واجی تا زمانی که مشخصه‌ی حالت حذف نگردد، تعبیر نمی‌شود. به این ترتیب اگر در مرحله‌ی بعدی اشتقاق، گروه اسمی مورد نظر مجدداً ادغام گردد با فاعل بیش‌ارتقا یافته مواجهیم که مشخصه‌های واجی آن تعبیر خواهد شد؛ در غیر این صورت فاعل تهی خواهد بود. این نوع تبیین روشن می‌کند که چرا ساخت بیش-ارتقاء در زبان‌های ضمیرانداز رخ می‌دهد. زیرا در این نوع زبان‌ها هیچ راهی وجود ندارد که تشخیص بدهد آیا اشتقاق پس از به تأخیر انداختن ارزشگذاری حالت ادامه پیدا می‌کند یا متوقف می‌گردد. حال اگر اشتقاق ادامه پیدا کند با توجه به این‌که حالت در گروه اسمی همچنان بازبینی نشده است این گروه اسمی فعال است و می‌تواند برای بازبینی حالت خود به جایگاه فاعلی بند پایه ارتقاء یابد. البته گفتنی است که براساس نظر پرمیوتر (۱۹۷۱) نیز فاعل تهی از رهگذر حذف مشخصه‌های واجی گروه حرف تعریف در مؤلفه واجی به دست می‌آید. بنابراین مادامی که مشخصه‌های واجی فاعل بازنمایی نشود یعنی به صورت ناملفوظ باقی‌ماند جمله دستوری خواهد بود. پیش از این نیز همین تحلیل را برای جملات حاوی فاعل تهی استفاده شده است. به طوری که بچارد (۱۹۸۴) معتقد است حالت دهی در زبان‌های ضمیرانداز می‌تواند به تأخیر بیفتد و به جای صورت روساختی در صورت منطقی اعمال گردد. درخصوص عدم مطابقت فعل بند پایه با فاعل ارتقاء یافته در زبان فارسی نیز، می‌توان گفت به علت مجاز نبودن بازبینی چندباره‌ی مشخصه‌های فاعلی در گروه اسمی، در واقع مشخصه‌های فاعلی در هسته زمان بند پایه با بند متممی بازبینی می‌گردد که بر روی فعل به صورت سوم شخص مفرد نمود پیدا می‌کند.

۲۶- آنها به نظر می‌رسد در مسابقه برنده شوند.

27.



در مورد وجود ساخت فراررتقا در این زبان، همان‌طور که قبلاً اشاره شد علی‌رغم شباهت فرایند فراررتقا و بیش‌ارتقا، هر دو فرایند در یک زبان یافت نمی‌شود. مجاز نبودن مطابقت فاعل ارتقا یافته با فعل بند پایه در مثال زیر بیانگر این موضوع است. عدم وجود ساخت فراررتقا در زبان فارسی را می‌توان به مجاز نبودن مطابقت چندبارهٔ مشخصه‌های فای مربوط دانست. به عبارت دیگر برخلاف زبان‌های حاوی ساخت فراررتقا، در این زبان گروه اسمی که یکبار وارد رابطهٔ بازبینی فای با هستهٔ تصریف بند پیرو می‌شود و مشخصه‌های فای هستهٔ تصریف بند درونه را ارزشگذاری می‌کند، قادر نخواهد بود مجدداً با فعل بند پایه وارد رابطهٔ بازبینی شود و مشخصه‌های فای آن را ارزشگذاری کند و این امر منجر به ظهور تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد بر روی فعل ارتقایی می‌گردد.

۲۷. *آنها به نظر می‌رسند در امتحان موفق شوند.

در خصوص ساخت ارتقای کپی، مثال زیر حاکی از آن است که قاعدهٔ خاص ارتقای کپی در زبان فارسی وجود ندارد تا اشتقاق را از ساقط شدن نجات دهد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد براساس این قاعده به‌جای عنصری که تحت تأثیر حرکت موضوعی قرار گرفته است در جایگاه میانی زنجیرهٔ موضوعی کپی ضمیری قرار می‌گیرد. حال آن که قرار گرفتن کپی ضمیری «او» در جایگاه شاخص هستهٔ زمانی بند درونه در مثال زیر منجر به بدساختی جمله می‌گردد:

۲۸. *علی به نظر می‌رسد که او در امتحان قبول شود.

فرض او را (۱۹۹۶) بر این است که در صورتی که قاعدهٔ ارتقای کپی در زبانی، اشتقاق را از ساقط شدن نجات دهد، در این زبان می‌توان انتظار داشت گروه حرف تعریف بتواند حتی از جایگاه حالت نیز تحت تأثیر حرکت قرار گیرد و در چنین حالتی وجود ساخت فوق‌ارتقا در این زبان نیز جایز خواهد بود. بر اساس این فرض پیش‌بینی می‌شود در زبان فارسی به علت عدم وجود قاعدهٔ خاص زبانی ارتقای کپی، ساخت فوق‌ارتقا یافت نشود^{۱۲}. به این ترتیب، براساس مباحث فوق در زبان فارسی از بین انواع مختلف ساخت ارتقای غیر موضوعی، تنها ساخت بیش‌ارتقا یافت می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر نشان داده شد برخلاف تصور برخی از زبان‌شناسان که فرایند ارتقا را به بندهای ناخودایستا محدود می‌کنند، ارتقای فاعل به فاعل از درون بند خودایستا نیز امکان‌پذیر است. در پژوهش حاضر چهار نوع مختلف ساخت ارتقایی خودایستا اعم از فرا ارتقا، فوق ارتقا، بیش ارتقا و ارتقای کپی و فرضیه‌های متفاوت درباره آنها مورد مطالعه قرار گرفت. داده‌های زبان‌های مختلف نشان داد در برخی از زبان‌ها (مانند یونانی، ظلوبی و پرتغالی برزیلی) شاهد ساخت فراررتقا هستیم. در این نوع ساخت فاعل حرکت داده شده به جایگاه موضوعی در بند پایه با فعل بند پایه مطابقت دارد و در بعضی از آنها (مانند اسپانیولی، گالیسیایی، پرتغالی اروپایی، کاتالانی و ایتالیایی) این فاعل جابه‌جا شده با فعل درونه مطابقت دارد و محمول ارتقایی همواره دارای مطابقت پیش فرض سوم شخص مفرد است که این ساخت‌ها، بیش‌ارتقا نام می‌گیرد. در برخی از زبان‌ها نیز ساخت ارتقای کپی قابل مشاهده است. در این نوع ساخت، گروه حرف تعریف فاعلی که از درون متمم خودایستا خارج می‌شود یک کپی ضمیری از خود بجای می‌گذارد مانند زبانهای ایگبو، یوروبای، کریول هائیتی و عبری. در تعدادی از زبان‌ها از جمله عربی مراکشی، چینی، کچوایی^{۱۳}، چچوایی^{۱۴} و ... نیز ساخت فوق ارتقا یافت می‌شود که طی آن گروه حرف تعریف از روی گروه حرف تعریف دیگر در جایگاه موضوعی حرکت می‌کند و در جایگاه موضوعی بالاتر فرود می‌آید. در مورد زبان فارسی، به علت مجاز نبودن مطابقت چندباره مشخصه‌های فاعلی و عدم وجود قاعده خاص قرارگیری کپی ضمیری در جایگاه میانی زنجیره موضوعی، از بین انواع مختلف ساخت ارتقای غیر موضعی، تنها ساخت بیش‌ارتقا در این زبان مجاز می‌باشد. علت اصلی وجود این ساخت در این زبان، پارامتر تأخیر در بازبینی حالت است که به نظر می‌رسد در زبان فارسی همانند دیگر زبان‌های ضمیرانداز ثابت به موجب این پارامترگروه اسمی می‌تواند به صورت اختیاری بازبینی مشخصه حالت خود را به تأخیر بیندازد و برای بازبینی مشخصه حالت خود با فعل بند پایه وارد رابطه بازبینی شود.

۵. پی‌نوشت‌ها

۱. البته می‌توان علاوه بر استدلال‌های بیان‌شده توسط درزی (۱۳۸۹) دلایل دیگری نیز بیان کرد مثلاً می‌توان خوش ساختی جمله نخست و بدساختی تقریبی جمله دوم را ناشی از این دانست که حرکت از جایگاه A به جایگاه A و سپس A' مجاز است اما حرکت از جایگاه A به A' و سپس A مجاز نیست:
- حسن، می‌دانم ti لازم است ti در مسابقه برنده شود.
- * حسن، لازم است ti می‌دانم ti در مسابقه برنده شود.
۲. تبیین ساخت پیش‌ارتقا در متولیان (ب ۱۳۹۵) مورد بحث قرار گرفته است. از اینرو در این مقاله از بیان جزئیات این مبحث صرف‌نظر می‌گردد.
- درزی (۱۳۸۸) نیز به عدم وجود ساخت فوق ارتقا در زبان فارسی اشاره کرده است.

۶. منابع

- دبیرمقدم، محمد. ۱۳۶۹. پیرامون "را" در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۲-۶۰.
- درزی، علی. ۱۳۸۸. حالت و تطابق در ساخت ارتقاء از درون جملات خودایستا. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. دانشگاه تهران. شماره ۱۸۹. ۵۳-۸۹.
- درزی، علی. ۱۳۸۹. *شیوه استدلال نحوی*. ویراست دوم. سمت.
- متولیان، رضوان. ۱۳۹۵ الف. بازنمایی نحوی افعال وجهی بایستن و شدن در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*. سال هفتم، شماره ۳۵. صص ۱۲۵-۱۵۰.
- متولیان، رضوان. ۱۳۹۵ ب. ساخت پیش‌ارتقاء در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. سال هشتم، شماره ۲. صص ۱-۲۰.
- Abney, S. (1987). Extraction and Pseudo-Objects. In Berber. In M. Guersel & K. Hale, ed., *Studies in Berber Syntax: Lexicon project working papers* 14, ed., 21-23. Cambridge, Mass: MITWPL.
- Adesola, O. (2005). Pronouns and Null Operators-A bar Dependencies and Relations in Yoruba. Unpublished Ph.D, The State University of New Jersey.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on Government and Binding*. Dordrecht: Foris.
- Chomsky, N. (1986). *Barriers*. Cambridge: MIT Press.
- Chomsky, N. (1992). *A minimalist program for linguistic theory*. MIT occasional papers in linguistics 1.

- Chomsky, N. (1994). Bare phrase structure. In Gert Webelhuth, ed., *Government and Binding and the Minimalist Program*. Oxford: Blackwell.
- Chomsky, Noam (1995). *The Minimalist Program*, MIT Press, Cambridge, MA.
- Chomsky, N. (2000). Minimalist Inquiries: The Framework. In R. Martin, D. Micheal & J. Uriagereka ,eds., *Step by Step: Essays on Minimalist Syntax in honour of H. Lasnik* (pp. 89-155). Cambridge: MIT Press.
- Collins, C. (1995). *Serial Verb Constructions and the Theory of Multiple Feature Checking*. Ms., Cornell University, Ithaca, New York.
- Coopmans, H. (1994). Comments on the Paper by Ouhalla, In D. Lightfoot & N. Hornstein ,eds., *Verb Movement*, 73–85. Cambridge: Cambridge University Press.
- Darzi, A. (1993). Raising in Persian. In *Proceedings of the Eastern States Conference* (pp. 81-92). Columbus, Ohio: Ohio State University.
- Déprez, V. (1992). Raising construction in Haitian Creole. *Natural Language and Linguistic Theory* 10, 191-231.
- Fernández-Salgueiro, Gerardo. (2005). “Agree, the EPP-F and Further-Raising in Spanish”. In Gess, Randall and Edward J. Rubin ,eds., *Theoretical and Experimental Approaches to Romance Linguistics: Selected papers from the 34th Linguistic Symposium on Romance Languages (LSRL)*, Salt Lake City.
- Fernández-Salgueiro, Gerardo. (2008). The Case-F Valuation Parameter in Romance. In Theresa Biberauer ,ed., *The limits of syntactic variation* (Linguistics Today 132), (pp. 295-310). Amsterdam: John Benjamins.
- Fernández-Salgueiro, Gerardo. (2011). Against “Pure” EPP checking : Evidence from further-raising. *Taiwan Journal of Linguistics*: 9.1, 123-131.
- Ferreira, M. (2004). Hyperraising and Null Subjects in Brazilian Portuguese. *MIT Working Papers in Linguistics* 47: 57–85.
- Frantz, D. (1978). Coping from Complements in Blackfoot. In E.-D. Cook & J. Kaye, eds., *Linguistic Studies Native Canada* (pp. 89-109). Vancouver: University of British Columbia Press.
- Fujita, K. (1995). *Generalized Attract and Economy of Derivation*. Ms., Osaka University, Osaka, Japan.
- Ghomeshi, J. (2001). Control and thematic agreement. *Canadian Journal of Linguistics* 46, 9-40.
- Grosu, A., & Horvath, J. (1984). The GB Theory and Raising in Rumanian. *Linguistic Inquiry*, 15, 348-353.
- Hashemipour, P. (1989). *Pronominalization and Control in Modern Persian*. Ph.D. Dissertation. San Diego: University of California.
- Karimi, S. 1997. On Object Position: Accounting for Specific Versus Non-Specific Asymmetry in *Persian Type Languages*; Tucson, Arizona: M. S. University of Arizona.

- Ladusaw, W. and N. England. (1987). Control and Complementation in Kusal. In *Current approaches to African linguistics* 4, 239-246. Dordrecht: Foris.
- Lappin, S. (1984). Predication and Raising. *Proceedings of North Eastern Linguistics Society (NELS) 14*, 236-352.
- Lasnik, H., and M. Saito. (1992). *Move a*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Moore, J. (1998). Turkish copy-raising and a chain locality. *Natural Language and Linguistic Theory* 16, 149-189.
- Ouhalla, J. (1994). Verb Movement and Word Order in Arabic. In *Verb Movement*, ed. D. Lightfoot and N. Hornstein, 41-72. Cambridge: Cambridge University Press.
- Perez, C. (1985). Aspects of complementation in three Bantu languages. Unpublished PhD, University of Wisconsin-Madison.
- Perlmutter, D. M. (1971). *Deep and Surface Structure Constraints in Syntax*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Postal, Paul. (1974). *On raising: One Rule of English and Its Theoretical Implications*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Rizzi, Luigi. (1990). *Relativized Minimality*. Cambridge: MIT Press.
- Rodrigues, C.A.N. (2004). Impoverished morphology and A-movement out of case domains. Unpublished Ph.D, University of Maryland, College Park.
- Soames, S., & Perlmutter, D.M. (1979). *Syntactic Argumentation and the Structure of English*. Berkeley, Los Angeles, California: University of California Press.
- Uchibori, A. (2001). Raising out of CP and C-T Relations. In M. C. Cuervo, D. Harbour, K. Hiraiwa & S. Ishihara eds., *Formal Approaches to Japanese Linguistics 3 (FAJL3): MIT Working Papers in Linguistics* (Vol. 41, pp. 145-162). Cambridge, Massachusetts: MIT Working Papers in Linguistics.
- Ura, Hiroyuki. (1994). Varieties of Raising and the Feature-Based Bare Phrase Structure Theory. *MIT occasional papers in linguistics* #7, Cambridge, Mass.: MITWPL.
- Ura, H. (1996). Multiple Feature-Checking: A Theory of Grammatical Function Splitting. Ph.D. dissertation, MIT.
- Ura, H. (1998) "Checking, Economy, and Copy-raising in Igbo," *Linguistic Analysis* 28, 67-88.
- Zeller, J. (2006a). Raising out of Finite Clauses in Nguni: The Case of Fanele Southern. *African Linguistics and Applied Language Studies* 24(3), 255-275.
- Zeller, J. (2006b). *Raising out of Finite Clauses and Expletive Constructions in Zulu*. Unpublished manuscript, University of KwaZulu-Natal, Durban.
- Zwart, C.J. (1997). *Morphosyntax of Verb Movement*. Dordrecht: Kluwer.

Cross-linguistic analysis of finite raising in Persian**Abstract**

The possibility of raising out of nonfinite clauses has been approved generally. In fact because of the defectiveness of infinitives, it is impossible for the subject to be assigned case in such clauses. Subsequently, the embedded subject has to move to the subject position of the matrix clause to check its nominative case. Based on this view raising is not permitted out of finite clauses because the nominative case of subject can be checked in the embedded clause. Contrary to this assumption, this article provides and examines empirical data from different languages showing that long A-movement of the subject of the embedded finite clause to the subject position of the main clause is indeed possible in many languages of the world. However all kinds of raising out of finite clause are not the same and have obvious differences from each other. In present article we introduce and account four kinds of finite raising including hyper raising, super raising, further raising and copy raising in different languages. Finally we try to determine the position of Persian in cross-linguistic analysis of raising.

Key words: hyper raising, super raising, further raising, copy raising